

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

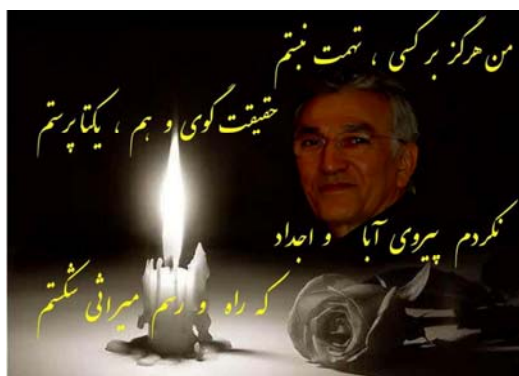
afgazad@gmail.com

Litarary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۲ جون ۲۰۱۸



سُر و مانجه

چرا؟ لاغر شدی، خوشروی دلبد
مگر مفلس شدی، یا در رژیم
و یا داری هوای مَد و مَدَل
و یا عاشق شدی مثل زلیخا
و یا از خواهشات یوسف نو
پسندش، دلبر باریک و لاغر
و یا از علت و تأثیر روزه
و لاکن بارقیبان و حریفان
چرا؟ بیهوده از من دل گرفتگی
وفا آموز و کن ترک جفارا
ترا گفتم پیر هیز از حریفان
ولی دیدم پیام و لایکه کانی
ولی ترسم که اسکایپ حریفان
نما دعوت ز "نعمت" در عروسی

نمک بالا و یا پائین شده قند
و یا که اشتها، گشته ترا بند
که با شهرت زنی بال و پری چند
نداری گوش بشنیدن، ز ما، پند
تو زیبا پیکر و او شاد و خورسند
خوشش شاید نمی آید تنومند
که داری با من بیچاره ترفند
پیام و پاسخ و نقدت به لبخند
مگر شهرت ترا بگرفته در بند
زیاده هرچه از حد، ناخوش آیند
نما قطع روابط را و پیوند
سُر و مانجه گرفته، شیر و چون قند
طلبگاری، ترا بی چون و بی چند
نمودی گر به دویی یا به هالند

سُر و مانج (۱)

چرا؟ لاغر شدي، خوشروي دلبند
نمک بالا، ويا پائين شده قند
مگر مفلس شدي، ياد رزيمي
ويا که، اشتها، گشته ترا بند
ويا داري هوای مُد و مُدل
که با شهرت زنی بال و پری چند
ويا عاشق شدي مثل زلیخا
نداری گوش بشنیدن، زما، پند

و یا از خواهشاتِ یوسفِ نو (۲)

توزیبِ پاکِ پرو، او شاد و خورسند

پسندش، دلبرِ باریک و لاغر

خوشش شاید نمی آید تو مند

و یا از علت و تاثیرِ روزه

که داری با من پیچساره ترند

و لکن با رقیبان و حریفان

پیام و پانچ و نقدت به لجنه

چرا؟ پیوده از من دل گرفتگی

مگر شهرت ترا بگرفته در بند

وفا آموز و کن ترک جفا را (۳)

زیاده هرچه از حد، ناخوش آیند

ترا کفتم پسر همین از حریفان

نما قطع روابط را، و پیوند

ولی دیدم پیام و، لایکه کانی

سُر و مانجه گرفته، شیر و چون قد

ولی ترسم که اسکایپ حریفان

طلنگاری، ترا بی چون و بی چند

نما دعوت ز «نعمت» در عروسی

نمودی گر به دوی یاب به هالند